

نگرش تطبیقی به وحدت اسلامی و ملی‌گرایی

قربانعلی هادی

چکیده

این پژوهش پس از مقدمه، در سه گفتار تنظیم شده است: گفتار اول به کلیات پرداخته و در آن چارچوب نظری بحث، تعاریف وحدت اسلامی و ناسیونالیسم ارائه شده است. گفتار دوم به تبیین ناسیونالیسم اختصاص یافته و به ملی‌گرایی به عنوان يك باور سیاسی و ایدئولوژی از آغاز قرن ۱۶ میلادی پرداخته و تأثیر انقلاب کبیر فرانسه را در آن برجسته دانسته است. سپس انواع ناسیونالیسم چون: لیبرال، ضد استعماری، توتالیتر در دو بخش عمده مثبت و منفی تبیین شده است. در ادامه، به مبانی ناسیونالیسم و تأثیرات آن در اجتماع و روابط بین‌الملل در قالب دو مکتب برکت و ملامت اشاره شده است. گفتار سوم به طرح دیدگاه اسلام در مورد ناسیونالیسم می پردازد، که در ابتدا مفهوم «هم‌گرایی» را در وحدت اسلامی و ملی‌گرایی، به شیوه مقایسه ای تبیین می‌کند. اسلام با مبانی عمیق و تأکید بر اصالت تقوا، عدالت، کرامت و مشترکات انسان‌ها، هم‌گرایی را در سطح جهان تعقیب می‌کند که با بسیاری از نحله‌های ناسیونالیستی که هم‌گرایی را در سطح ملی می‌دانند، در تعامل نیست. اما دیدگاه اسلام با برخی از نحله‌های ناسیونالیستی مثبت چون ضد استعمار، سیاسی و... تاحدودی سازگار است. شهید مطهری نیز به این امر اشاره می‌کند. در ادامه، نژادپرستی، رهبری و حقانیت در اسلام و ناسیونالیسم و دیدگاه مسلمانان در مورد ملی‌گرایی بررسی شده و با ذکر نتیجه، این مقاله پایان یافته است.

کلید واژه‌ها: دیدگاه اسلام، ملت، ملی‌گرایی، وحدت اسلامی، ایدئولوژی، هم‌گرایی، غرب، پان‌اسلامیسم، روابط بین‌الملل.

مقدمه

اندیشمندان در طول تاریخ، وحدت و هم‌گرایی انسان‌ها را از دیدگاه‌ها و زوایای گوناگون و با رویکرد روان‌شناسانه، جامعه‌شناختی، حقوقی، ایدئولوژیکی، سیاسی، دینی و... بررسی نموده‌اند. ملی‌گرایی نیز در حوزه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، فلسفه سیاسی و... مطرح می‌شود، که یکی از مباحث مهم ایدئولوژیکی است. نبود تعریف روشن، دقیق و عقلانی از ناسیونالیسم، و طرح این موضوع به گونه‌های مختلف در محافل آکادمیک، مشکلاتی در سطح جامعه، بین‌الملل و حوزه نظری به وجود آورده است. ملی‌گرایی مرهون برخی تحولات در عرصه جهانی، چون: تشکیل امپراتوری‌های استعمارگر اروپایی، جنبش‌های استقلال طلب، جنگ‌های اول و دوم جهانی، گسترش دموکراسی و جهانی شدن، می‌باشد، که از نوع قدیم به جدید تغییر یافته است. در نوع جدید از ناسیونالیسم، افراطی

گری های سبک قدیم تا حدودی تعدیل شده و در راستای تعامل در سطح بین الملل تلاش می شود. اما هنوز هم رگه هایی از ناسیونالیسم وجود دارد، که افراطی و شوونیستی است. این پژوهش به بررسی ارتباط بین انواع ناسیونالیسم با دیدگاه اسلام می پردازد.

گفتار اول: کلیات

۱- بیان مسئله

ناسیونالیسم يك اصل و باور سیاسی است که با آن مرزهای ملی، مشروعیت سیاسی کسب نموده و واحد سیاسی باید بر شاخصه های ملی منطبق باشد. (Weidenfeld & Nicolson, ۱۹۹۷. p. ۱). از این چشم انداز، «ملت» و «سرزمین» شالوده ناسیونالیسم را به عنوان یک ایدئولوژی که دستورالعملی برای رسیدن به مقاصد معین است، شکل می دهد. (داوری، ۱۳۶۵ش، ص ۲۰۳). گونه هایی از ناسیونالیسم قدری متعادل تر عمل می کنند. اما نوع دیگری از ناسیونالیسم، علاوه بر برتری قومی، مفهوم ملت را نیز با خود دارد (پیشین)، که نوعی از هم گرایی را با اصالت واحدهای ملی و نژادی یا فراتر از آن مطرح می کند، و ایدئولوژی سیاسی و بنیاد فکری یک ملت محسوب می شود و به طور افراطی در برخی موارد با نظریه توتالیتتری و شوونیستی همراه شده مشکلات زیادی در جوامع انسانی ایجاد کرده است. نازیسم آلمان، فاشیسم ایتالیا، اشغال فلسطین، تصفیه قومی در بوسنی، رواندا، کنگو، قتل عام بیش از ۶۰٪ هزاره های افغانستان در حکومت عبدالرحمن خان، و... از جمله آنهاست. اما دین اسلام با پیام جهانی، شاخصه های ملی را در مقابل اصل تقوا، تعاون، انصاف، عدالت و کرامت انسانی، به شدت کم رنگ می داند، و با پذیرش اصل حاکمیت سیاسی مردم، با مبانی الهی در پی ایجاد هم گرایی انسانی در سطح جهان می باشد. حوزه مطالعه این پژوهش جهانی بوده، بدون توجه به زمان خاصی، به صورت تطبیقی، هم گرایی جهانی - اسلامی و هم گرایی ناسیونالیستی، با متغیرهای وحدت اسلامی، ناسیونالیسم، تقوا، نژادپرستی، احساسات عاطفی روانی، منافع ملی، کشور، سیاست، قرآن و سنت، تحلیل می شود؛ از این رو ارایه پاسخ به سؤالات ذیل، در خور توجه می باشد:

الف- نگاه اسلام به ناسیونالیسم و ملی گرایی چگونه است؟

ب- آیا ارتباطی بین ناسیونالیسم و آموزه های اسلامی وجود دارد؟

۲- ضرورت، اهداف و فایده پژوهش

ملی گرایی در مفهوم هم گرایی، به وحدت اسلامی و وحدت ملی شباهت دارد؛ بنابراین طرح و تبیین تعامل ها و تفاوت های ناسیونالیسم و دیدگاه اسلام و مبانی توحیدی آن به گونه علمی - پژوهشی مهم جلوه می کند. فایده ها: ظهور وحدت ملی و هم گرایی انسانی- اسلامی در يك کشور، و در سطح روابط بین الملل باعث ایجاد توجه به صلح و امنیت جهانی، محیط زیست، ایدز، تسلیحات هسته ای و کشتار جمعی می شود، تا زمینه عملی اتحاد

سعادت بخش، رفاه و آسایش عمومی بدون تنش های ناروا، فراهم گردد و انسان ها زندگی آرام و مسالمت آمیز را پی گیرند.

۳- چارچوب نظری پژوهش

الف- ناسیونالیسم: تبیین نظریه های ناسیونالیسم و ملی گرایی، مبانی و کارکردهای آن، بخش مهمی از این بحث را تشکیل می دهد، که نظریه های منفی ناسیونالیسم به افراطی، شوونیستی و... منجر شده، همه انسان های غیر ملیت خود را محکوم به خدمت خود می داند. اما برخی نظریه های مثبت ملی گرایی به اصلاح طلب، ضد استعمار و... نماد می یابد. در این مجموعه تلاش شده است که با بررسی گونه ها و آثار ملی گرایی، تحلیل تطبیقی با دیدگاه اسلام صورت گیرد.

ب- دیدگاه اسلام؛ در نگاه اول، نظریه «توحید» در نماد عملی «وحدت اسلامی»، مبانی و عوامل آن و سپس آموزه های اخلاقی و سیاسی اسلام به صورت تطبیقی با ناسیونالیسم، به روش منطقی و عقلانی بررسی می گردد.

۴- تعاریف و مفاهیم

۴/۱- چیستی ناسیونالیسم و ملی گرایی

ناسیونالیسم (Nationalism) در لغت مشتق از Nation به معنای «ملت»، ترکیب شده از دو کلمه، یکی به معنای ناسیون از لغت فرانسوی Naissance به معنای زاده شدن گرفته شده است (طلوعی، ۱۳۸۵، ص ۸۷۲) که از قرن ۱۳ میلادی معمول بوده و به گروهی از مردم که زادگاه یکسانی داشتند اطلاق می شد، و دوم ایسم (Ism) به معنای شناختن است. این دو معنا تداعی گر ایدئولوژیک بودن ناسیونالیسم است. (بابایی زارچ، امت و ملت در اندیشه امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ش، ص ۵۵). در اصطلاح، عقیده ای است که مرزهای ملی با مرزهای دولت انطباق داشته، و ملت سرنوشت خود را تعیین کند، و دولت ملی مهم ترین سازمان سیاسی آن باشد. (آشوری، ۱۳۷۳ش، ص ۳۱۹-۳۲۰). ناسیونالیسم برگرفته از ملت، به معنای ملی گرایی و نژادپرستی آمده است (نوروزی، ۱۳۸۰ش، ص ۸۲) و به علایق وطن پرستی یا وطن دوستی نیز تعریف می شود. (کاتم، ۱۳۷۱ش، پنج).

۴/۲- ملت و ملیت

ملت در لغت، به معنای راه، روش، دین و آئین است و در معنای نوین، متولد شدن (Nation ناسیون)، مردم را در بر می گیرد. در اصطلاح، ملت: «مجموعه ای از افرادند که در نژاد، سرزمین، زبان، فرهنگ، آداب و رسوم، تاریخ، عقاید و جهان بینی به هم احساس مشترک دارند (شیخ شعاعی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۱؛ اسکندری ، www.ariaye.com/dari/qanoonasasi/eskandari2.html).

عنصر پیوند دهنده ملت، آگاهی و ایمان به مقصدی باطنی، الهی و آسمانی بوده و محدود به طبیعت نیست. (پارسانیا، ص ۷۱). مجموعه فکری، علمی و روشی که مردم باید طبق آن عمل کنند، ملت نامیده می‌شود. (مطهری، ۱۳۵۹ ش، ص ۵۶).

ملیت: نوعی رابطه سیاسی ایجاد شده از اصل حاکمیت و قدرت سیاسی است. از عناصر ملیت: نژاد، وحدت زبان، تاریخ، زمین و خون می‌باشد، که از پیوند این عناصر گروه اجتماعی تشکیل می‌شود. علم حقوق آن را ملت می‌گوید. (عمید زنجانی، ۱۳۵۲ ش، ص ۲۳-۲۴).

۴/۳- چیستی وحدت

الف. اجتماعی؛ وحدت در لغت عبارت است از: یگانه شدن، یگانه بودن و اشتراك گروهی در يك مرام و مقصد، اشتراك همه افراد ملت در آمال و مقاصد که مجموعه‌ای واحد به‌شمار آیند. (معین، ۱۳۷۱ ش، ج ۴، ص ۴۹۸۹). در «لسان‌العرب» آمده است: «الوحده فی المعنی التوحد (ابن منظور، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۴۴۹). وحدت در اصطلاح به معنای انفراد است. واحد مطلقاً جزئی ندارد، چون واحد وصف خدا آید؛ یعنی تجزی و تکتز در آن راه ندارد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳ ش، ص ۸۵۷). منظور از «وحدت انسان‌ها»، توحید اعتقادی، دینی و کنار گذاشتن اختلافات فکری میان آنها نیست، بلکه باید با حفظ اختلافات، نسبت به هم همدل بوده و به حقوق يك دیگر احترام گذاشت.

ب. وحدت اسلامی؛ فرقه‌های مسلمین هم دیگر را به طور صحیح شناسایی نموده و از مواضع فکری و اعتقادی يك دیگر مطلع شوند و از نزاع به دور باشند. (صادقی اردستانی، بی‌تا، ص ۵۰۲). منظور از «وحدت اسلامی» التزام قلبی و عملی به مشترکات اسلام است که به طور قطع ثابت شده و در زمان رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» مورد قبول همه بوده، و معیار اخوت اسلامی است.

۴/۴- امت

أُمَّتٌ، به قوم، قبیله، عشیره، گروه‌های نژادی و نیز ملت یا جامعه‌ای مذهبی که زیر پرچم هدایت يك پیامبر باشند اطلاق می‌شود (ترکی، ۱۳۶۸ ش، ص ۳۰). و در اصطلاح، به جماعتی از مردم گفته می‌شود که خداوند برای آنان پیامبری مبعوث کرده و آنان به او ایمان آورده، و از این‌رو، با خداوند پیمان بسته، و با او ارتباط یافته‌اند. (پیشین، ص ۹۷-۱۰۳). واژه امت در معنایی نزدیک به شعب نیز به کار می‌رود. (فارابی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۷؛ ابوالفدا، ۱۸۴۰ م، ص ۲۲۲).

۵- پیشینه پژوهش

الف- پیشینه نگارشی؛ در مورد وحدت اسلامی و ناسیونالیسم کتاب‌ها و مقالات زیادی به چاپ رسیده است، از جمله: منابع فارسی: «مکاتب ناسیونالیسم» مونترسات‌گیبرنا؛ «ناسیونالیزم» حمید بهزادی؛ «نظریه‌های ناسیونالیسم» اوموت اوزکریملی؛ «ناسیونالیسم و انقلاب» رضادآوری؛ «وحدت از نگاه امام خمینی» روح الله خمینی.

منابع عربی: «الفتاوی الواضحه» شهید صدر؛ «الاسلام و القومیه» علی محمد نقوی؛ «تفسیر کبیر» محمد رازی و «المیزان» علامه طباطبایی. منابع انگلیسی: «ایده ناسیونالیسم» هانس کوهن؛ «ناسیونالیسم جدید» اسنایدر؛ «دولت، ملت و ناسیونالیسم» جیلینس ارنست و «دایره المعارف ناسیونالیسم» الکساندر ماتیل. هر کدام از کتاب‌های مزبور، یا فقط به ناسیونالیسم، و یا تنها به وحدت اسلامی پرداخته است، اما این پژوهش با رویکرد تطبیقی، به هر دو مقوله پرداخته است.

ب- پیشینه تاریخی؛ مّلی‌گرایی پدیده‌ای غربی بوده، که به قاره‌های دیگر راه یافته است. اولین بار در ۱۷۸۹م این واژه توسط آگوستین بارائل (Augustin Barraail) کشیش ضد انقلابی فرانسوی استعمال شد. (Andrew Heywood, ۱۹۹۸, p. ۱۵۲) و به شکل دکترین سیاسی در آمد. آغاز ناسیونالیسم به قرن ۱۶ میلادی و جنگ‌های مذهبی سلاطین و شاهزادگان اروپایی برمی‌گردد. ناسیونالیسم استقلال طلب در ابتدای قرن ۲۰ شکل گرفت. (آصف، ۱۳۸۴ش، ص ۷۳-۷۸). ریشه‌های ناسیونالیسم به عنوان یک باور و ایدئولوژی سیاسی با انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) گره می‌خورد. این ایده در ایتالیا، آلمان و شوروی به مّلی‌گرایی افراطی و برتری ایدئولوژی و حزب خاص انجامید. در ایران نیز مّلی‌گرایی، ابتدا با گرایش لیبرال در عصر مشروطه مطرح گردیده و سپس به شکل افراطی درآمد و ارزش‌های اسلامی را تحقیر کرد. (قهری، ۱۳۸۳ش، ص ۶۹-۷۹).

۶- فرضیه پژوهش

ناسیونالیسم دارای زمینه‌های فلسفی گوناگون و متنوع است که برخی از آنها با دیدگاه اسلام تعامل دارد. و بعضی چون ناسیونالیسم افراطی، توسعه طلب، توتالیتر و... با دیدگاه اسلام هم خوانی ندارد. اسلام با تأکید بر تقوا و احترام به نوع بشر و رد نژادپرستی، با طرح هم‌گرایی انسانی، در صدد تشکیل امت واحده اسلامی در سراسر جهان می‌باشد، که مستشرقان از آن با نام پان‌اسلامیسم یاد می‌کنند. اما هم‌گرایی ناسیونالیستی در سطح مّلی-نژادی و یا فراتر از آن با مبانی خاصی مطرح می‌شود، که با بسیاری آموزه‌های اسلام ارتباط وثیقی ندارد.

گفتار دوم: تبیین ناسیونالیسم و مّلی‌گرایی

۱- سیر رشد و تکامل ناسیونالیسم

ناسیونالیسم ابتدا در قرن ۱۴ تا ۱۷ در واکنش علیه سلطه کلیسای کاتولیک و امپراطوری روم پیدا شد و در اواخر قرن هجدهم با روندی تکاملی به شکل یک ایدئولوژی در آمد. در اواسط قرن ۱۹ سراسر اروپا به ویژه آلمان و ایتالیا، امپراتوری‌های چند قومی اتریش، مجارستان، پروس، روسیه و عثمانی را فرا گرفت، که در نوع افراطی خود رژیم‌های توتالیتری مانند نازیسم در آلمان و فاشیسم در ایتالیا را باعث شد. دوران رشد ناسیونالیسم را دوران بیداری مّلی نیز نامیده‌اند. (آشوری، پیشین، ص ۳۱۹). با آغاز قرن بیستم سه جریان ناسیونالیسم عربی، ایرانی و ترک در منطقه خاورمیانه شکل گرفت. (جیکوب، ۱۳۸۲ش، ص ۷-۸). حس ناسیونالیستی ایرانی، با شکست ایرانیان از روس‌ها و

انقلاب مشروطه شروع شد و به انواع مختلفی درآمد: «الف - ناسیونالیسم متجدد، رادیکال؛ ب - لیبرال، دموکراتیک؛ ج - محافظه کار» (همایون، ۱۳۸۴ش، ص ۱۲۵-۱۲۹). بعد از مشروطه، ناسیونالیسم تجزیه کننده (ترك و كرد) و پس از آن ناسیونالیسم وحدت بخش ملت ایران (موازنه منفی مصدق و موازنه عدمی مدرس) قابل بیان است. دوره های رشد گونه های ناسیونالیسم را در جهان، به صورت گذرا مرور می کنیم:

الف. انقلاب کبیر فرانسه؛ ایدئولوژی ناسیونالیستی از جنین این انقلاب زاده شد و از بستر توده واری آن رها شده و هیچ کس نتوانسته آن را به جای خود برگرداند. (علوی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۶۲).

ب. جنگ جهانی اول، پدیده قیمومیت سازی و اصل خودمختاری ملی؛ جنگ جهانی دوم و گسترش استعمارگری؛ ج. خودآگاهی ملت ها و استقلال طلبی؛ ناسیونالیسم حاصل پیدایش خودآگاهی و خوداتکایی جوامع به بلوغ رسیده می باشد، که در جهت حرکت به سوی پدیده «ملت سازی» است؛ (Hans Kohn, ۱۹۶۷, p.۷۶). شکست نظام سرمایه داری دولتی بلوک شرق و رشد ملی گرایی و استقلال اقلیت های ملی شوروی سابق، از دیگر دوره های پیدایش ملی گرایی قلمداد می شود؛

د. از دهه ۱۹۶۰ به بعد، اعتراضات برای خودمختاری ملی و به رسمیت شناختن حقوق نژادی صورت گرفت، که از آن جمله می توان به اعتراضات باسک ها (Basques)، کاتولیک ها، سیاه پوستان آمریکا، فرانسوی زبانان ایالت کبک (Quebec)، و کورسیکا (Corsica) اشاره کرد؛

هـ. رشد اومانیسم، ترویج خوداتکایی ملی، توجه دولت ها و جوامع به دموکراسی و ایجاد حس آزادی خواهی.

۲- ناسیونالیسم و حاکمیت سیاسی

ناسیونالیسم نوعی آگاهی جمعی است؛ یعنی آگاهی تعلق به ملت، که آن را آگاهی ملی خوانند. (آقابخشی، ۱۳۷۴ش، ص ۲۱۹). آگاهی ملی اغلب پدیدآورنده حس وفاداری افراد به عناصر ملت می شود. (آشوری، پیشین، ص ۳۱۹). ناسیونالیسم ایدئولوژی است که «دولت ملی» را عالی ترین شکل سازمان سیاسی می داند. اصل اساسی ناسیونالیسم حاکمیت ملی است، که در بیشتر قوانین اساسی اروپایی و شبه اروپایی آمده است. (داوری، پیشین، ص ۱۶۹). رشد ملت باوری باعث شد که اصل «حاکمیت ملی» در جهان به رسمیت شناخته شود. (آشوری، پیشین). ایدئولوژی ها به طور کلی و ناسیونالیسم به خصوص، در ملت ها «ارزش ها» و «روش زندگی مخصوص به خود» (A. National way of looking at life) ایجاد می کنند، که بشرمحبوس آنها می گردد. (Finer, S. The Man on the horseback, (New York: Praeger ۱۹۶۲, P. ۲۱۱). این حالت در سطح داخلی و روابط بین الملل به گونه های مختلف ظهور می یابد:

الف- برخی از ملت ها ممکن است الفاظ دیپلماتیک را با تفاسیر مختلف فهم کنند، مثلاً برخی يك حرکت را «تجاوز» بدانند، اما بعضی دیگر آن را «دفاع» بخوانند (بهزادی، ۱۳۵۴ش، ص ۱۰۲). حمله شوروی سابق به اروپای شرقی، افغانستان و... و حمله آمریکا به ویتنام، عراق، افغانستان و... و دیگر اشغالگری ها را می توان نمونه آورد.

ب- طبق «ارزش‌های ایجاد شده» کشوری معتقد می‌شود که ایدئولوژی آن حق است و تلاش می‌کند نظام سیاسی، اخلاقی و ارزش‌های خود را در سطح بین‌الملل حاکم نماید. (پیشین، ص ۱۰۳). صدور ایدئولوژی کمونیسم شوروی سابق، گسترش لیبرالیسم و دموکراسی آمریکایی، ایجاد پان عربیسم، پان ترکیسم و... در قالب این دیدگاه قابل تبیین است.

۳- گونه‌های ناسیونالیسم بر پایه مبانی نظری و فلسفی

الف- ناسیونالیسم منفی

ناسیونالیسم اگر از یک علاقه طبیعی به وطن و... فراتر رفته و به عنوان یک ایدئولوژی و شبه مذهب در آید و بر یک نوع تعصب و بی‌منطقی استوار باشد، منفی خواهد بود. انواع ملی‌گرایی منفی را به طور خلاصه تبیین می‌کنیم:

۱- ناسیونالیسم توسعه طلب و مدنی؛ درون مایه آن نظامی‌گری و توسعه طلبی جمعی نسبت به دیگران است، که با خودمختاری ملی مغایرت دارد. (آصف، پیشین). ناسیونالیسم مدنی، التزام به «خودمختاری» همگانی توسط توده مردم است. (معظم‌پور، ۱۳۸۳، ص ۲۷۱).

۲- ناسیونالیسم توتالیتر یا انحصارگرا (Exclusivist)؛ در این ایده به دلایل مذهبی، نژادی، قومی و... کسانی را از شهروندی کامل و امتیازات محروم می‌دارند. (پیشین). توتالیترانیسم (Totalitarianism). صفت رژیم‌هایی با مشخصات زیر است: نظارت دولت بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی، انحصار قدرت سیاسی، سیستم تک‌حزبی، دست‌یازی به زور، تشکیل جامعه بر اساس ایدئولوژی حزبی، از میان بردن آزادی‌های فردی. نازیسم آلمان و فاشیسم ایتالیا نمونه‌های عالی نظام‌های توتالیتر بودند. (آشوری، پیشین، ص ۲۴؛ بهزادی، پیشین، ص ۱۴۵).

۳- ناسیونالیسم جدایی‌طلب و قومی؛ دولت موجود را یک قدرت امپریالیستی می‌داند و خواهان جدایی قلمروی ملی از آن دولت و تشکیل یک دولت ملی است. (معظم‌پور، پیشین). ناسیونالیسم قومی؛ گروه قومی را برای برقراری حاکمیت دولتی یا حفظ آن بسیج می‌کند (ماتیل، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۷۶) زیرا در ناسیونالیسم امکان بالقوه جلب توده عظیمی از مردم نهفته است. (بیل و لوئیس، ۱۳۷۲، ص ۳۹).

۴- ناسیونالیسم لیبرال؛ از اصول آزادی، برابری و برادری دفاع، و از خودمختاری گروه‌های خاصی هواخواهی می‌کند. (Duchacek/Thompson, ۱۹۶۰, P. ۶۶-۸۴) این پدیده در ایتالیا و آلمان به‌گونه افراطی، به برتری نژاد و ایدئولوژی حزب خاص انجامید. (ماتیل، پیشین، ص ۴۳۴-۶۶۶). این نظریه توسط رسو، لاک، ولتر و جفرسون پشتیبانی می‌شد. اعلامیه استقلال آمریکا، سند ناسیونالیسم لیبرال به‌شمار می‌رود. (بهزادی، پیشین، ص ۱۳۸).

۵- ناسیونالیسم افراطی؛ الف- نژادی و فاشیستی؛ نژادپرستی دکترین انکار حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی، بر آن است که دیگری شخص پست است. (گیبیرنا، ۱۳۷۸، ص ۱۴۹). فاشیسم (Fascism) در لغت از کلمه ایتالیایی «فاشیو» (Fasio) به‌معنای دسته‌گ ل و گیاه گرفته شده است و در اصطلاح، نام مجمع رزمندگان ایتالیایی جنگ جهانی اول است که موسولینی یکی از همین افراد بود. فاشیو، تعیین‌کننده گروهی است که دارای هم بستگی عقیدتی هستند. (پازارگاد، بی‌تا، ص ۱۲۵-۶). برخی از مبانی نظری فاشیسم عبارت است از ۱- نخبه‌مداری؛ ۲- نژادگرایی؛ ۳- توسعه‌طلبی

و میلیتاریستی، ضد کمونیسم؛ ۴- توسل به ارباب و ترور؛ ۵- سیستم تک حزبی. (گیلبرت، ۱۳۷۱ش، ص ۸؛ بشیریه، ۱۳۷۴ش، ص ۲۴-۳۱۹).

ب- شوونیستی؛ میهن پرستی مفرط دخالت در کشورهای دیگر را موجه می‌شمارد. پدیده سیاسی مبتنی بر قدرت بوده، انگیزه میهنی ستیزه جویانه داشته و توده ها با حمایت از حاکم ماجراجویی های پرهزینه راه می‌اندازند. (ساعی، ۱۳۸۳ش، ص ۶۰-۶۳).

۶- ناسیونالیسم فرهنگی و سنتی؛ مدعی احیای گذشته و رؤیای تجدید عظمت دیرین است. (گیبیرنا، پیشین، ص ۲۱۲). ملی گرایی سنتی، فارغ از عقل و انقلاب، ملیت و دولت است و به نظر سنت‌طلبان، از پیش ایجاد شده و بحث از منشأ آنها ضرورتی ندارد. (پیشین، ص ۵۵).

ب- ناسیونالیسم مثبت

اگر ملی گرایی به معنای محبت و علاقه مندی به سرزمین، ملیت و مذهب خویش، بدون احساس برتری، تبعیض و تضييع حقوق دیگران باشد، ناسیونالیسم مثبت خواهد بود. در زیر، انواع ملی‌گرایی مثبت به طور خلاصه بیان می‌شود:

۱- ناسیونالیسم جدید یا ضد استعمار؛ استعمارگری باعث ایجاد احساس میهن پرستی و تمایل به آزادی های ملی شد. (معظم‌پور، پیشین، ص ۶۴-۵۷؛ قهری، پیشین، ص ۶۹-۷۹). یکی از عوامل عمده آن اصل خود مختاری است. (بهزادی، پیشین، ص ۱۴۷). ویژگی های عمده ناسیونالیسم جدید عبارت است از: الف - تکیه بر استقلال سیاسی و حقوقی؛ ب - احترام به نفس؛ ج - تکیه بر اصل تساوی ملت‌ها و نژادها؛ د - ضد استعماری بودن. (اوزکریمی، پیشین، ص ۲۱۸).

۲- ناسیونالیسم اصلاح طلب و محافظه کار؛ اصلاح طلب قلمروی دولت موجود را به عنوان محدوده قلمرو ملی قبول می‌کند، آنچه مورد اختلاف است، مبانی غیر ملی مشروعیت و حاکمیت دولت است. (ماتیل، پیشین، ج ۲، ص ۴۹۳). محافظه کار؛ در پی حفظ وضع موجود، با گرایش ترمیم وضعیت با توجه به خواسته های گروه و یا حزب خاصی می‌باشد.

۳- ناسیونالیسم ملی؛ ملی‌گرایی به معنای میهن‌دوستی با حفظ حرمت و حقوق دیگران است، که باعث ایجاد باورهای مشترک و استحکام یک ملت می‌گردد و مردم هنگام خطر از هویت ملی خویش دفاع می‌کنند.

۴- ناسیونالیسم وحدت خواه؛ کشورهای موجود را قطعات اشغال شده قلمروی ملی تلقی می‌کند، و در صدد يك پارچگی گروه خود و رهایی از اشغال کشورها می‌باشد. (Hayes, C. ۱۹۵۵, p. ۱۶۵). مبانی فلسفی این ایدئولوژی از آثار اندیشمندانی مانند آگوست کنت، آدولف تن، موريس باره و شارل موراس گرفته شده است. (اوزکریمی، پیشین، ص ۵۶).

۵- ناسیونالیسم سیاسی؛ الف- ناسیونالیسم ملی فاقد دولت؛ دارای چهار وضعیت متفاوت است: ۱. ممکن است دولت «اختلاف فرهنگی» اقلیت یا اقلیت های خود را به رسمیت بشناسد، ولی به آنها اجازه ترویج ندهد (گیبیرنا،

پیشین، ص ۱۶۸)؛ ۲. داشتن میزان مشخصی از خودگردانی (پیشین)؛ ۳. بالاترین درجه حق تعیین سرنوشت را دارند، ولی مستقل نیستند، مانند اهالی کبک کانادا (گیبونا، پیشین، ص ۱۶۹)؛ ۴. ملت هایی که دولتشان اصلاً آنها را به رسمیت نمی شناسد. (پیشین). ب- ناسیونالیسم در دولت های فاقد ملت؛ که هنوز دولت - ملت سازی صورت نگرفته است و دولت های پس از استعمار می باشند. (گیبونا، پیشین، ص ۱۹۳-۱۹۸).

۶- ناسیونالیسم بشردوستانه و اقتصادی؛ ناسیونالیسم بشردوستانه نخستین نوع از ناسیونالیسم و الهام گرفته از روح روشن گری و استوار بر حقوق طبیعی است. (اوزکریملی، پیشین، ص ۵۴). ناسیونالیسم اقتصادی؛ تعرفه ها افزایش یافت و از خودکفایی اقتصادی تمجید به عمل آمد. با مبارزه بر سر بازار و منابع این نوع از ناسیونالیسم با امپریالیسم در آمیخت. (پیشین، ص ۵۷).

۴- مبانی نظری ناسیونالیسم

ایدئولوژی ناسیونالیسم، سوسیالیسم، لیبرالیسم و... با مبانی نظری و فلسفی خاص خود پشتیبانی می شود. (داوری، پیشین، ص ۱۴-۱۸). مبانی فکری و اعتقادی ملی گرایان، با تنوع گرایش های ایدئولوژیکی آنان، در مجموع دارای افراط و تفریط، تعادل و تعامل و پارادوکسیکال می باشد، که ممکن است رنگ مکاتب، مذاهب و نحله های متنوع را به خود بگیرد. در ذیل، به برخی مبانی انواع ناسیونالیسم اشاره می شود: ۱- وحدت خواهی؛ برتری نژاد، کشور، مذهب و ملیت خود؛ ۲- تفکر جدایی دین از سیاست؛ ۳- احترام در حد پرستش افراد ملی؛ ۴- بشردوستی؛ ۵- بیگانه ستیزی، باستان ستایی افراطی؛ ۶- استقلال طلبی؛ ۷- مبارزه با استعمار؛ ۸- توتالیتر، انحصار طلبی؛ ۹- پذیرش نظام پادشاهی، پاتریمونیا و پدر سالاری. (معظم پور، پیشین).

۵- تأثیرات ناسیونالیسم در روابط اجتماعی و عرصه بین الملل

الف- مکتب برکت و مثبت در ناسیونالیسم

۱. ناسیونالیسم باعث تقویت ایده ضد استعماری، استقلال طلبی و خودمختاری ملت ها گردید. (بهبزادی، پیشین، ص ۹۴). بر اهداف خارجی کشورها تأثیر گذاشت. (پیشین) و موجب ایجاد دموکراسی، تجزیه طلبی (Holsti ۱۹۶۲, p. ۲۱۱; Praeger ۱۹۶۲, p. ۶۵-۶۹; H., ۱۹۷۲, p. ۶۵-۶۹)، و نظامی بر پایه های ملی (ژربه، ۱۳۵۱ ش، ص ۱۷-۱۸) و تبدیل منافع سلاطین به منافع ملی گردید و توده مردم را به صحنه کشاند. (Morgenthau, H., ۱۹۶۷, p ۱۰۰).

۲. ملی گرایی موجب مشروعیت حکومت ها و تبلور اصول دموکراتیک شده، حس ملی خلاقیت ها را در هنر، ادبیات، موسیقی، ورزش و... بالا برده، و باعث تقویت ارزش های اجتماعی می شود، فقط به ارزش های ملی توجه دارد (Ibid). ناسیونالیسم ایدئولوژیکی است که علیه ایدئولوژی های دیگر مقاومت نموده، نیروی ترساننده و بازدارنده است. (بهبزادی، پیشین، ص ۱۱۳).

۳. ملی‌گرایی با تأسیس حکومت مرکزی باعث ایجاد صلح می‌شود. (پیشین، ص ۱۲۹) و این عقیده را در بین توده مردم اروپا به وجود آورد که می‌تواند باعث استقلال ملت‌ها، صلح جهانی و جواب‌گوی مشکلات داخلی و اختلافات میان کشورها باشد. (Snyder, L. ۱۹۶۴, P. ۲۳-۲۴)

۴. ناسیونالیسم قدرت ملی در کشور را افزایش می‌دهد (Ibid)، مردم را به دستگاه دولتی معتقد می‌نماید و باعث تشویق و بسیج مردم می‌گردد. (Puchala, D., ۱۹۷۱, p. ۱۹۷, ۲۱۱-۲۱۷). و یکی از وسایل نفوذ و توافق در کشورهای با ملیت یکسان خواهد بود (بهزادی، پیشین، ص ۱۰۶). (مانند کشورهای عربی، ترک و...).

۵. ناسیونالیسم در روابط داخلی پدیده متمایل به مرکز (Centripetal force) دارد موجب اتحاد و هم بستگی افراد گشته و عوامل تفرقه را از میان برده و هم زیستی مردم با یک دیگر را فراهم (Olson, W., P. ۷۱-۷۸). و آزادی افراد را تضمین می‌کند. (بهزادی، پیشین، ص ۱۲۸؛ ۲۸، p. ۱۹۶۰, Duchacek/Thompson).

ب- مکتب ملامت و منفی در ناسیونالیسم

بر طبق نظریه و مکتب ملامت، ناسیونالیسم موجب مشکلات داخلی، خارجی و روابط بین‌الملل شده است، که بدین جهت مورد ملامت و نکوهش قرار گرفته است. برخی از آثار منفی ملی‌گرایی عبارت است از:

۱. ناسیونالیسم باعث جنگ، انشعاب بشریت، جهل و عدم تحمل ملت‌های دیگر، در صحنه بین‌المللی شده است. (Duchacek/Thompson, ۱۹۶۰, p. ۲۵-۲۸) ملی‌گرایی در ورای جنگ‌های دو قرن نوزدهم و بیستم قرار دارد. (نقوی، ۱۳۶۴ ش، ص ۲۴).

۲. ملی‌گرایی اطاعت کورکورانه گروه‌ها را در اجتماع تقویت نموده و آزادی ملت‌های دیگر را نیز محدود می‌سازد. (Hayes, C., ۱۹۵۵, p. ۱۶۵) و باعث تغییر مبانی حکومت از سنتی، الهی (متافیزیکی)، توارث و زور، به قانون مدون بشری شده است. (Holsti H, ۱۹۷۲, p. ۶۵-۶۹; Finer, S., ۱۹۶۲, P. ۲۱۱).

۳. ملی‌گرایی باعث انحصارگرایی، افتخار کاذب (Ibid)، محدودیت در همکاری‌های بین‌المللی، مانع پیشرفت، پویایی و پایایی کشورها می‌شود. ملی‌گرایی با تفکر مادی، نسبی و عاطفی - افراطی، به جریانی مقابل اخلاق بدل می‌شود.

۴. ملی‌گرایی یکی از انگیزه‌های مهم امپریالیسم و استعمارگری است (Lerche, Che., ۱۹۶۷, P. ۱۵). باعث استبداد و تعمیم غیرمنطقی می‌شود، و ویژگی‌های مثبت را بر گستره تاریخ ملی تعمیم می‌دهد؛ آن مذهب جزم‌گرا، فاقد توجیه علمی و عقلی است. (نقوی، پیشین، ص ۶۵).

۵. ناسیونالیسم در روابط خارجی پدیده گریز از مرکز (Centrifugal force) بوده که موجب بی‌نظمی، تفرقه و نزاع در صحنه بین‌الملل شده است. (Olson, W., P. ۷۱-۷۸). مسئله اعراب در امپراتوری عثمانی سابق، معضل اسرائیل، کشمیر، فلسطین و... از این نوع می‌باشد. (Ibid).

۶. ناسیونالیسم در مرزهای نژاد و ملت‌ها، اما نظام‌های بین‌المللی فرائزادی عمل می‌کند. (Ibid). این پدیده «ارزش‌های اخلاقی» مخصوصی در ملت ایجاد می‌کند که مخالف نظام بین‌المللی است. این امر باعث می‌شود که «ارزش‌های اخلاقی ملی» جای «ارزش‌های بین‌المللی» را بگیرد (Ibid).

۷. ناسیونالیسم، بی‌ثباتی سیاسی را در صحنه بین‌الملل به وجود می‌آورد. ناسیونالیسم عرب باعث اتحاد مصر و سوریه شد، ولی ناسیونالیسم ملی باعث انحلال آن گردید. (Snyder, L., ۱۹۶۴). اتحادیه اروپا نیز تاکنون با معضل ناسیونالیسم ملی روبه‌رو بوده است و برخی کشورهای اروپایی با برخی مصوبات اتحادیه موافقت نمی‌کنند. در نقد ناسیونالیسم، می‌توان گفت که بعضی از گونه‌های ناسیونالیسم با اصالت نژاد، قوم و ملیت خاص، بیشتر ترویج‌کننده خشونت، ظلم و تجاوزگری می‌باشد، که برخی آن را وسیله استعمار و ظلم بر مظلومان دانسته‌اند. (خمینی، ۱۳۷۶ش؛ جهان‌نگلو، ۱۳۷۹ش، ص ۴۰؛ ۱۹۹۲: ۳۱۳-۱۲۲، Rabindaranat Tagore).

گفتار سوم: دیدگاه اسلام و ناسیونالیسم

۱- وحدت اسلامی و ناسیونالیسم

دیدگاه اسلام را به گونه مقایسه‌ای با ملی‌گرایی، با طرح بحث وحدت اسلامی از نگاه قرآن و سنت که بر هم‌بستگی تمام بشر تأکید می‌کند، و ناسیونالیسم نیز هم‌گرایی در مرزهای ملی و چه بسا فراتر از آن را ادعا دارد، پی می‌گیریم.

۱/۱- مبانی الهی و انسان‌شناختی وحدت در قرآن

الف. ایمان و اعتقاد به خالق واحد؛ قرآن کریم توحید نظری «اعتقاد به خالق واحد» را باعث توحید عملی انسان‌ها می‌داند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...؛ بگو ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است که جز خداوند یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او قرار ندهیم...» (آل عمران/۶۴). این آیه برای وحدت و یک‌پارچگی، به «توحید» قدر مشترک مسلمانان و اهل کتاب اشاره کرده، که یکی از عوامل مهم وحدت همه ادیان یاد شده است (ر.ک: آل عمران/۶۳). امام علی «علیه السلام» می‌فرماید: «الهمم واحد و نبیهم واحد و کتابهم واحد...» و این در حالی است که خدا و پیامبر و کتابشان یکی است. (معادی‌خواه، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۹۰).

ب. رهبری واحد؛ یکی دیگر از مبانی وحدت، پیروی از رهبری واحد است: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ و اطاعت خدا و پیامبرش نمایید و نزاع مکنید تا سست نشوید و قدرت شما از میان نرود...» (انفال/۴۶). بنابراین، لازم است مذاهب مختلف برای رفع اختلافات و درگیری‌های درونی به مشترکات تمسک کنند.

ج. دین اسلام؛ تنها دینی است که مورد تأکید پروردگار قرار دارد و به دلایل ذیل می‌توان آن را مایه هم‌گرایی و سعادت انسان‌ها دانست: فراخوانی دین به هم‌گرایی و بهره‌گیری از دستورات آن؛ عصبيت دینی مسلمانان در دفاع از آن؛ دین واحد عامل وحدت است. امام علی «علیه السلام» فرمود: «واقعیت جز این نیست که همگی شما بر اساس دین خدا برادرید. (معادخواه، پیشین، ص ۹۰). در برخی از تفاسیر مانند «مجمع البیان»، «التبیان» و «روح البیان» آمده است که همانا مقصود از «حبل‌الله»، دین اسلام است.

د. خلقت از نفس واحده؛ «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفسٍ واحدةٍ وخلق منها زوجها وبتت منهما رجلاً کثیراً و نساءً؛ ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، آن که شما را از یک تن یگانه بیافرید و همسر او را هم از او پدید آورد...» (نساء/۱). مراد از «نفس واحده» در آیه، حضرت آدم «علیه السلام» و مراد از «زوجها» همسرش حواست که والدین انسان‌ها هستند و خلقت حوا نیز از آدم «علیه السلام» است؛ بنابراین خلقت همه انسان‌ها به حضرت آدم منتهی شده و وحدت در خلقت دارند. (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۴، ص ۱۳۵؛ رازی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۶۷؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۲۳-۳۲۶). این امر که همه انسان‌ها از «نفس واحده» خلق شده‌اند می‌طلبد که نوعی انس و اتحاد بین انسان‌ها برقرار باشد تا موجب زیادتر شدن محبت و ترک تفاخر و تکبر آنها بر یکدیگر شود. (رازی، پیشین، ص ۱۶۷). «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ...؛ و اوست که شما را از تن یگانه‌ی پدید آورد...» (انعام/۹۸).

۱/۲- مبانی معرفت‌شناختی وحدت اسلامی

الف. قرآن و سنت؛ همه مذاهب اسلامی بر حجیت و حقانیت این دو منبع اتفاق نظر دارند.
ب. ولایت؛ وجه مشترک اهل سنت و اهل تشیع و یکی از سنت‌های نبوی است. در قرآن نیز بر محبت ذی‌القربی تأکید شده است.

ج. مشروعیت اجتهاد و آزادی بحث و بررسی؛ اسلام با به رسمیت شناختن اصل اجتهاد در چارچوب منابع اسلامی، اختلافات فکری را پذیرفته است. اما ناسیونالیسم افراطی حاکمیت رأی خاص را بر مبنای زور و هژمونی قدرت مهم می‌داند.

۱/۳- عوامل وحدت اسلامی از نگاه قرآن

الف. تقوای الهی؛ پرهیزگاری یکی از عوامل مهم وحدت در جامعه انسانی است: «وَمَنْ يَسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى؛ کسی که خود را تسلیم خدا کند... محسن و نیکوکار باشد به دستگیره محکمی چنگ زده است» (لقمان/۲۲). در جای دیگر آمده است: «... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ؛ ... پس از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و میان برادرانی را که با هم ستیزه دارند آشتی دهید...» (انفال/۱). در این آیه بعد از امر به تقوا، امر به اصلاح و حل اختلاف شده است، پس تقوا، اصلاح و حل اختلاف را موجب می‌شود.

ب. امت واحده؛ واژه امت در قرآن کریم ۶۵ بار به صورت مفرد یا جمع آمده است. معانی «امت» در قرآن: ملت دارای دین واحد (انبیاء/۹۲)؛ جماعت (اعراف/۱۸۱)؛ چند سال (هود/۸)؛ پیشوا (نحل/۱۲۰)؛ مردم (بقره/۲۱۳).

«أُمَّ» به معنای اقوام پیشین و ملت‌هایی که خداوند برای آنان پیامبری گسیل داشته، به کار رفته است (ترکی، پیشین). امت افزون بر مفهوم دینی خود، به مفهوم هم بستگی زبانی، فرهنگی، طبیعی، نژادی و... نیز می‌باشد. (انصاری، ج ۱۰، مقاله ۳۹۳۱. www.cgie.org.ir). قرآن تشکیل امت واحد را برنامه جهانی برای حکومت جهانی واحد می‌داند. برای تحقق این آرمان، در ادیان مختلف به ظهور مصلح آخرالزمان که امت جهانی را بنیان می‌نهد، نوید داده شده است (حامد، ۱۳۷۸ش، ص ۲۴). «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ؛ و این امت شما، امت یگانه است... پس مرا بپرستید». آیه شامل تمام انسان‌هایی می‌شود که دارای خدا و مقصد واحدند. آیاتی را که به «امت واحد» اشاره دارد، می‌توان به سه گروه طبقه‌بندی نمود:

گروه اول: آیاتی که خطاب به پیامبران بوده و تشکیل امت واحد را یادآور می‌شود: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ * وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ؛ این امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شما هستم...» (انبیاء/۹۲-۹۳). «و إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ * فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلٌّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ؛ و همانا این امت شماست، امتی یگانه و من پروردگار شما هستم، از من پروا کنید...» (مؤمنون/۵۲-۵۳). مراد از وحدت امت، وحدت در دین است و مراد از دین، اصولی است که مورد قبول همه شرایع می‌باشد، مثل التزام به وجود ذات خداوند و صفاتش و...؛ مختلف بودن شریعت‌های پیامبران، به جهت التزام پیروان همه شرایع به اصولی واحد، خللی به وحدت امت وارد نمی‌کند. (رازی، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۰۵).

گروه دوم: آیاتی که هر نوع مشیت جبرآمیز خداوند برای رسیدن به امت واحد را نفی می‌کند: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ * إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ؛ و اگر پروردگارت می‌خواست، مردم را امت یگانه‌ای قرار می‌داد...» (هود/۱۱۸-۱۱۹). مراد از وحدت و اختلاف در این آیه، وحدت و اختلاف در دین است. (طباطبایی، پیشین، ج ۱۱، ص ۶۵). این آیه ناظر به امت واحد بشری است و علت عدم اتحاد، امتحان انسان است. (رشید رضا، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۹۳؛ رازی، پیشین، ج ۹، ص ۷۸). «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ؛ و اگر خداوند می‌خواست، شما را امت یگانه‌ای قرار می‌داد» (مائده/۴۸). اما خداوند برای امتحان افراد بشر و تفکیک نیکان و بدان از یکدیگر، وحدت را در میان آنان ایجاد نکرد. (طباطبایی، پیشین، ج ۵، ص ۳۸۲؛ رازی، پیشین، ج ۶، ص ۱۴؛ رشید رضا، پیشین، ج ۶، ص ۴۱۸).

گروه سوم: آیات دلالت‌کننده بر این که انسان‌ها در ابتدا امت واحدی بودند، سپس بین آنان اختلافاتی به وجود آمد: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ؛ (در آغاز) مردم امت یگانه‌ای بودند آن‌گاه خداوند پیامبران مژده آور و هشداردهنده برانگیخت و بر آنان، به حق، کتاب آسمانی نازل کرد تا در هر آن‌چه اختلاف می‌ورزند در میان آنان داوری کند...» (بقره/۲۱۳). مردم در آغاز در امور دنیوی و مادیات، امت واحدی بودند. (طباطبایی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۱؛ رشید رضا، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۶).

ج. الفت و دوستی؛ «هُوَ الَّذِي آيَدَكَ بِبَصَرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ * وَالْأَفْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ...؛ او... در میان دل‌های آنها الفت ایجاد نمود...» (انفال/۶۲-۶۳). این تألیف قلوب اهل ایمان و اتحاد بین آنها، به خاطر ایمان و توجه به خدا امکان‌پذیر

است. در جای دیگر آمده است: « فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا... پس میان دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت تا به لطف او برادران هم شدید». (آل عمران/۱۰۳).

د. اعتصام به حبل‌الله؛ قرآن انسان‌ها را به اتحاد فرا می‌خواند: « وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...! » (و هم‌مسلمانان) به ریسمان خدا (قرآن و اسلام)، و هرگونه وسیله وحدت، چنگ زنید و پراکنده نشوید!...» (آل عمران/۱۰۳). حبل به معنای ریسمان، سبب و ابزاری است که با آن می‌توان به هدف و خواسته خود رسید. (طبرسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۸۰۳). مراد از حبل‌الله چیزی است که موجب اتصال میان انسان و خداوند می‌شود. (اصفهانی، پیشین، ص ۲۱۷). از مهم‌ترین مصادیق حبل‌الله، قرآن کریم (طباطبایی، پیشین، ج ۳، ص ۳۶۹؛ التبیان، ج ۲، ص ۵۴۵)، پیامبر «صلی الله علیه و آله» و اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» می‌باشند. (طباطبایی، پیشین). ه. برادری دینی، نعمت الهی؛ «ادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ... فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛ و نعمت خدا را به خود یاد کنید... تا به لطف او برادران هم شدید» (انفال/۴۶). «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ مؤمنان با هم برادرند». مراد از «وحدت انسان‌ها» این است که با حفظ اختلافات، هم‌دلی پیدا کنند. (رشید رضا، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۹۳). «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَآخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ...؛ و چون کسانی مباشید... با هم اختلاف کردند...» (آل عمران/۱۰۵).

۱/۴- وحدت اسلامی از نگاه سنت

الف. پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله»؛ سیره چهارده معصوم «علیهم السلام» محور وحدت جامعه اسلامی قلمداد شده است: «فَأَنْتُمْ أَهْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ بِهِمْ تَمَّتِ النِّعْمَةُ وَاجْتَمَعَتِ الْفُرْقَةُ وَأُتِلَفَتِ الْكَلِمَةُ؛ شما اهل بیت، اهل‌الله هستید که به برکت شما... اتحاد کلمه پدید آمده است.» (کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۴۴۶). پیامبر «صلی الله علیه و آله» با ورود به مدینه، به اختلافات «اوس» و «خزرج» و تنازعات قبیله‌ای پایان داد، و با انجام عقد اخوت، به الفت قلبی سامان بخشید: «... و آخی رسول الله «صلی الله علیه و آله» بین اصحابه من المهاجرین والانصار فقال: تَأْخُوا فِي اللَّهِ اخْوِينَ اخْوِينَ ثُمَّ اخذ بيد علي بن ابي طالب فقال هذا اخی؛ پیامبر «صلی الله علیه و آله» فرمود: ... در راه خدا، دو به دو، عقد اخوت ببندید و خود، با علی «علیه السلام» موآخات نمود». (ابن هشام، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۵۰). «المسلمون اخوة لافضل لاحد علی احدٍ الا بالتقوی؛ مسلمانان با هم برادرند و هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد جز به تقوا» (متقی هندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۹؛ نهج الفصاحه، ح ۳۱۱۲).

ب. امام علی «علیه السلام»؛ ۱- تأکید بر نقش رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» در ایجاد وحدت بین مؤمنین؛ «قد صُرِفَتْ نَحْوُهُ أَفْتَدَةُ الْاَبْرَارِ، وَ تُنْبِتُ اِلَيْهِ اَزْمَةُ الْاَبْصَارِ...؛ ... خداوند به وسیله او کینه‌های دیرینه را دفن کرد... دل‌ها را با هم الفت داد...» (صبحی صالح، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۱). ۲- وحدت در پرتوی اخلاق؛ «خالطوا الناس مخالطةً اِنْ مِتُّمَ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ، و اِنْ عِشْتُمْ حَتَّوْا عَلَيْكُمْ؛ با مردم به گونه‌ای آمیزش کنید که اگر مردید بر شما بگریند، و اگر ماندید، قلباً به شما بگروند.» (پیشین، ص ۴۷۰). ۳- دستور به دوری از اختلاف؛ «و اَلْزَمُوا السَّوَادَ الْعَظِيمَ، فَاِنْ يَدَالَلَهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ، و اِيَاكُمْ وَالْفِرْقَةَ؛ همواره با سیاهی و انبوه مردم ملازم باشید که دست خدا با جماعت است، و از تفرقه بپرهیزید.» (پیشین، ص ۱۸۴). ۴- ارتباطات، عطوفت و صله رحم؛ «و عَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَ التَّبَاذُلِ وَ اِيَاكُمْ وَ التَّدَابِرِ وَ التَّقَاتُحِ؛ بر شما

باد به وصل کردن و هم‌بستگی، و بذل و بخشش به هم و بپرهیزید از پشت کردن به هم و قطع رابطه با يك ديگر» (پیشین، نامه ۴۷). ۵- سیره عملی امام علی «علیه السلام»؛ «لقد علمتم أنى أحق الناس بها من غيري، ووالله لاسلمن ما سلمت امور المسلمین، و...؛ ... من از دیگران شایسته‌تر به خلافت هستم، ولی... مخالفتی ندارم که امور مسلمانان روبه‌راه باشد و تنها به من ستم شود...» (پیشین، ص ۱۰۲). عبدالمتعال صعیدی: نخستین اختلاف میان مسلمانان، اختلاف بر سر خلافت بود و علی «علیه السلام»؛ با آن که می‌دانست از دیگران به خلافت سزاوارتر است، ولی با ابوبکر و عمر و عثمان به مدارا رفتار کرد و به آنان کمک کرد، تا نمونه عالی مدارا و حافظ اتحاد، هنگام اختلاف رأی باشد. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۴۵).

ج. امام حسن «علیه السلام»؛ «من امیدوارم که خیرخواه‌ترین مردم باشم... باید آگاهی دهم که اجتماع مسلمانان و جماعت آنان اگر چه مکروه شما باشد بهتر است از پراکندگی و تفرقه هر چند دو دستگی و جبهه‌گیری خواست شما باشد». (قرشی، ۱۳۹۳ ق، ج ۲، ص ۲۷۶).

د. امام صادق «علیه السلام»؛ «مسلمان برادر مسلمان، راهنما و خیرخواه بوده و هرگز به او حيله، خیانت و ظلم و ستم روا نمی‌دارد». (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۴، ص ۱۶۶). «پیوسته خدا را در نظر داشته باشید و با هم برادران خوبی باشید... عطوفت و مهربانی به خرج بدهید، به دیدار و ملاقات هم بروید، و با این پیوندها و اتحادها، مکتب ما را زنده بدارید.» (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۷۵).

۲- نژاد پرستی از دیدگاه اسلام

الف- قرآن؛ خداوند کریم برتری انسان‌ها را در تقوا می‌داند، نه در نژاد و قومیت: «يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ...» شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با يك ديگر شناسایی متقابل حاصل کنید، در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست... (حجرات/۱۳). در قرآن بیشتر خطاب‌ها به عموم مردم است و فرقی نمی‌کند از کدام قوم، قبیله و ملت باشند. (مطهری، ۱۳۵۹ ش، ج ۱، ص ۴۷).

ب- پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله»؛ در حجة الوداع فرمود: «ای مردم! خدای شما یکی است، پدر همه شما یکی است، برترین شما نزد خدا، با تقواترین شما است (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۸). «هیچ برتری برای عرب بر عجم نیست بلکه برتری به میزان تقوی است». در پاسخ نژادگرایی عرب فرمود: «خداوند ... تفاخر قومی و عشیره‌ای شما را از بین برد ... همانا بهترین شما نزد خدا با تقواترین شماست» (پیشین).

ج- امام علی «علیه السلام»؛ «مهربانی با «مردم» را پوشش دل خویش قرار ده... زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند» (دستی، نامه ۵۳). ایشان وحدت با حفظ حرمت و کرامت انسان‌ها را نعمت الهی می‌داند. (معادیخواه، پیشین، ج ۱، ص ۸۷). خطاب اسلام به کل بشریت بوده، نظام اسلامی برای طبقه خاصی نیست، هدف نهایی اسلام استقرار «جامعه توحیدی» است؛ جامعه‌ای که محدودیت‌های مرزهای جغرافیایی و نژادی و زبان و فرهنگ را فرومی‌ریزد. (نقوی، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۰۰).

۳- ارزش‌ها در اسلام و ناسیونالیسم

الف- فرهنگ و سنن؛ علی «علیه السلام»: «هیچ سنت شایسته‌ای را مَشکن که معیار عمل بزرگان این امت بوده است و هم‌بستگی و کارملت بر محور آن سامان می‌یافته است و هیچ راه و رسم جدیدی ایجاد مکن که به سنتی از این سنت‌ها آسیب برساند.» (معادیخواه، پیشین، ج ۱، ص ۸۵). اما ارزش‌ها در ناسیونالیسم می‌تواند با توجه به مبانی نظری آن با ارزش‌های اسلامی متفاوت باشد، چون ارزش‌ها در گرایش‌های ناسیونالیستی، نسبی، قومی، نژادی و... بوده و بر اساس منافع آنان ارزیابی می‌شود.

ب- حکومت و رهبری؛ حکومت نقش بنیادی در برقراری امنیت، نظم و اجرای قوانین بین مردم دارد. در جامعه اسلامی به ویژه در فرهنگ شیعی، حکومت جایگاه الهی داشته و امامت استمرار حکومت انبیاست. از این رو حفظ نظام از اهمّ واجبات بوده و رهبر محور و قطب حکومت می‌باشد. امام علی «علیه السلام»؛ می‌فرماید: «واقعیت جز این نیست که من قطب آسیابم...» (پیشین، ص ۹۱). آن حضرت موقعیت زمامدار را هم چون ریسمانی می‌داند، که مهره‌ها را جمع کرده و ارتباط می‌بخشد. (صبحی صالح، پیشین، ص ۲۰۳)، از این رو در اسلام رهبری با موازین الهی و آسمانی، به نص خاص و عام، صورت می‌گیرد، که این امر در ناسیونالیسم بر محور احساسات و عواطف و گاه به صورت کاریزماتیک و یا جمعی تعریف می‌شود، که بشری و زمینی است.

ج- حقانیت؛ یکی از عوامل مهم ایجاد وحدت، حقانیت است. امام علی «علیه السلام»؛ حقانیت را به عنوان محور هم‌بستگی یاد می‌نماید: «والله یمیت القلب و یجلب الهم اجتماع هؤلاء القوم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم...» این قوم بر باطل خویش متحد و همدستان‌اند و شما بر محور حقان پراکنده‌اید» (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۹؛ صبحی صالح، پیشین، ص ۷۰؛ معادیخواه، پیشین، ج ۱، ص ۸۶). ولی حقانیت به مفهوم اسلامی آن در ناسیونالیسم وجود ندارد، زیرا در ناسیونالیسم، بیشتر موارد درک همراه با احساسات و عواطف به دور از بار عقلانی است. این امر رسیدن به حق و ادعای حقانیت را در ملی‌گرایی دچار مشکل جدی نموده است.

۴- مسلمانان و ناسیونالیسم

الف- پان‌اسلامیسم و نگاه واقع‌بینانه به ملی‌گرایی

جنبش هم‌سازگری اسلامی در سده ۱۳ هـ.ش / ۱۹ م با عنوان «اتحاد اسلام» یا «پان‌اسلامیسم» (Pan Islamism) شناخته می‌شود. Pan در زبان لاتین به معنای «همه» یا «عموم» که در ابتدای هر عقیده‌ای قرار گیرد، به معنای اتحاد همه وابستگان به آن عقیده یا جنبش سیاسی خواهد بود. (موثقی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۲۷۳). پان‌اسلامیسم نخستین بار از جانب مخالفان وحدت اسلامی جعل شد (برنارد، ۱۳۷۸ ش، ص ۴۵۵)، ولی به کثرت استعمال، امروزه پذیرفته شده است. (عنایت، ۱۳۵۲ ش، ص ۳۶). جنبش اتحاد اسلام در پی برتری سیاسی بر سراسر جهان نبود، بلکه به دنبال رهایی جهان اسلام از سیطره استعماری اروپا و گسترش روسیه در کشورهای مسلمانان بود. (شناوی، ۱۹۸۶ م، ج ۳، ص ۱۱۹۷). در اواسط سده نوزدهم حکومت عثمانی در واکنش به جنگ ترکیه با روسیه، سیاست خارجی پان‌اسلامیسم را مطرح

کرد. (ماتیل، پیشین، ج ۳، ص ۱۰۵۷). پیش از ناسیونالیسم اروپایی، پان اسلامیسم ایدئولوژی مسلط بر جهان اسلام بود. اندیشمندان مسلمان چون سید جمال الدین اسد آبادی، محمد اقبال، و... به تبلیغ نظر خود در پشتیبانی از اسلام می‌پرداختند، که این امر به نام اتحاد اسلام موسوم شد. غربی‌ها آن را ناسیونالیسم اسلامی گویند. تجدید حیات دینی سید جمال مبدأ تحول سیاسی، اجتماعی و فکری مسلمانان گردید. (مطهری، ۱۳۸۵ ش، ج ۲۴، ص ۳۱).

بسیاری از علما و اندیشمندان اسلامی بر ناسازگاری اسلام با عقاید نژاد پرستانه و ملی‌گرایانه تأکید کرده‌اند. امام خمینی (ره): «تمام مقصد ما مکتب ماست... آنهایی که می‌خواهند ملیت را احیا کنند آنها مقابل اسلام ایستاده اند...» (خمینی، ۱۳۷۹ ش، ج ۱۳، ص ۷۷). شهید مطهری: «در صورتی که ناسیونالیسم جنبه مثبت به خود گیرد از نظر اسلام مذموم نیست، ناسیونالیسم آن‌گاه محکوم است که جنبه منفی به خود گیرد؛ یعنی افراد را تحت عنوان ملیت‌های مختلف از یک دیگر جدا کند.» (مطهری، ۱۳۵۹ ش، ص ۶۲).

ب- تقلیدهای کور و ترویج ناسیونالیسم

ناسیونالیسم تقلید کورکورانه مغرضانه ای بود، مانند دیگر آموزه‌های غربی چون دموکراسی، سکولاریسم، لیبرالیسم و... که از غرب گرفته شده بود و در نهایت، موجب پدید آمدن کشورهای کوچک و ضعیف با دولت‌های ملی وابسته به استعمار شد. پشتوانه منادیان اولی ملی‌گرایی در میان ممالک اسلامی، فرانسه، انگلیس؛ سپس آمریکا و روسیه بودند. بیداری ملی عرب (پان‌عربیسم) و قیام علیه خلافت عثمانی در اواسط قرن ۱۹ پدید آمد. از این زمان، انجمن‌های سری برای ترویج قومیت عربی در بیروت، دمشق و ترکیه بر پایه افکار گاکولپ، یعنی تفکیک مذهب از شئون اجتماعی و سیاسی نهضت ملی ترک «پان‌ترکیسم»، به منظور تبدیل خلافت ترکان عثمانی به دولت ملی شکل گرفت و بعد توسط «مصطفی کمال» اقتباس شد. در سال ۱۹۲۴ به طور رسمی الغای خلافت عثمانی توسط مجلس ملی ترکیه اعلام شد. (ماتیل، پیشین، ص ۱۰۵۸). رشد ناسیونالیسم عرب که اسلام را بیشتر به چشم عنصری از عربیت می‌نگرد، ایده وحدت کلی جهان اسلام را ضعیف کرده است.

نتیجه‌گیری

۱. مبانی و اهدافی که در دین مقدس اسلام، با تحلیل مفهوم «توحید» در قالب وحدت و هم‌گرایی انسانی - اسلامی مطرح شد، با مبانی برخی از گونه‌های ناسیونالیسم چون ضد استعمار، اصلاح‌طلب، سیاسی، و... در جایی که بر استقلال و آزادی، احترام و سعادت انسان تأکید گردد، تا حدودی سازگار و متعامل است. جنبه‌های مثبت ناسیونالیسم از نظر اسلام مذموم نیست؛ ناسیونالیسم آن‌گاه محکوم است که جنبه منفی به خود گیرد. ولی با ناسیونالیسم امپریالیستی، لیبرال، توتالیتار، نژادی و فاشیستی هماهنگی ندارد.
۲. برتر دانستن نژاد، مذهب و ملیت خاص، انفکاک نهاد دین و سیاست، تجزیه‌طلبی، سیستم تک‌حزبی، دولت‌مداری، احترام به دیگران، استقلال‌طلبی، تقدس‌بخشی افراطی به نشانه‌های ملی و... از مبانی نظری انواع

ناسیونالیسم به شمار می‌رود، که از نگاه مفهومی متفاوت و یا پارادوکسیکال می‌باشد. ملی‌گرایی با این ویژگی‌ها به یک «شبه مذهب» شبیه است.

۳. ملی‌گرایی در دو گروه عمده مثبت و منفی، به وحدت‌خواه، سیاسی، لیبرال، قومی، فرهنگی، ضداستعماری، ملی، توسعه‌طلب، توتالیتار، اصلاح‌طلب، بشردوستانه و... تقسیم می‌گردد.

۴. برخی از آثار مثبت ملی‌گرایی عبارت است از: استقلال کشورها، ایجاد آگاهی ملی، ایجاد اصل مشروعیت کشورها و حس تعلق و تبعیت از دولت ملی و اتحاد و هم‌بستگی افراد در سطح ملی و تبلور خلاقیت‌ها.

۵. از آثار منفی ملی‌گرایی می‌توان از جنگ افروزی، تعصبات کور نژادی، افراطی‌گری، محدودیت در تصمیم‌گیری‌ها در داخل و سطح بین‌الملل، مانع پیشرفت علم و فرهنگ، تقویت انگیزه‌های امپریالیستی، به‌خطر انداختن امنیت ملی، نام برد.

۶. می‌توان گفت که بین بسیاری از آموزه‌های اسلام و ناسیونالیسم پیوند وثیقی وجود ندارد و چه بسا در برخی موارد مخالف و یا متضادند و مسلمانان هم تا کنون نگاهی دوگانه به پدیده ملی‌گرایی داشته‌اند.

منابع و مآخذ

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، مروارید، تهران، ۱۳۷۳ش.
۲. آصف، محمد، مبانی ایدئولوژیک حکومت در دوران پهلوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴ش.
۳. آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، تهران، ۱۳۷۴ش.
۴. ابن ابی الحدید، ابوحامد عزالدین عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱، بی‌تا.
۵. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، مؤسسه احیاء التراث العربی، ج ۳، ۱۴۱۲ ق.
۶. ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، دارالمعرفة، بیروت، ج ۱، ۱۴۲۱ ق.
۷. ابوالفدا، تقویم البلدان، به کوشش رنو و دوسلان، پاریس، ۱۸۴۰م.
۸. اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه: حسین ابن احمد کیلانی، مکتبه البوذر جمهری، تهران، ۱۳۷۳ش.
۹. انصاری، حسن، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، مقاله ۳۹۳۱. www.cgie.org.ir
۱۰. بابایی زارچ، علی محمد، امت و ملت در اندیشه امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳ش.
۱۱. برنارد، لوئیس، زبان سیاسی اسلام، ترجمه: غلامرضا بهروزک، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۸ش.
۱۲. بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۴ش.
۱۳. بهزادی، حمید، ناسیونالیسم، مؤسسه حساب، تهران، ۱۳۵۴ش.
۱۴. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، هم‌بستگی مذاهب اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ش.

۱۵. بیل، جمیز، راجر لوئیس، ویلیام، مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، کاوه بیات، گفتار، تهران، ۱۳۷۲ش.
۱۶. پارسانیا، حمید، ناسیونالیسم، مجله معرفت، شماره ۲۵.
۱۷. بازارگاد، بهاءالدین، مکتب‌های سیاسی، انتشارات اقبال، تهران، بی‌تا.
۱۸. ترکی، عبدالمجید، اجماع امت مؤمنان، از جوهر عقیدتی تا واقعیت تاریخی، تحقیقات اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۱۹. جهانگللو، رامین، تاگور وجدان بشر، ترجمه: خجسته کیا، نشرنی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۲۰. جیکوب، لاندو، پان ترکیسم، یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری، ترجمه: حمید احمدی، نشرنی، تهران، ۱۳۸۲ش.
۲۱. حامد، عبدالله، اختلاف در امت واحد، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۷۸ش.
۲۲. خمینی، روح‌الله، وحدت از نگاه امام خمینی (ره)، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام، قم، ۱۳۷۶ش.
۲۳. _____، صحیفه امام، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ج ۱۳، ۱۳۷۹ش.
۲۴. داوری، رضا، ناسیونالیسم و انقلاب، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۵ش.
۲۵. رازی، فخرالدین محمد، تفسیر کبیر، دارالمعرفه، بیروت، ج ۵، ۱۴۱۴ق.
۲۶. رشید رضا، محمد، المنار، بیروت، دارالمعرفه، ج ۴، ۱۴۱۴ق.
۲۷. ژربه، پی‌یر، سازمان‌های بین‌المللی، ترجمه: محمد امین کاردان، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۵۱ش.
۲۸. ساعی، احمد، نظریه‌های امپریالیسم (مومسن، ولفگانگ ج.، فیلد هاوس، دیوید، زیمانسکی، آلبرت)، قومس، تهران، ۱۳۸۳ش.
۲۹. شریف قرشی، باقر، حیاة الامام الحسن «علیه السلام»، دارالکتب العلمیه، قم، ج ۲، ۱۳۹۳ق.
۳۰. شناوی، عبدالعزیز محمد، الدولة العثمانیة، دولة اسلامیة مفتری علیها، مکتبة الانجلو المصریة، قاهرة، چاپ دوم، ج ۳، ۱۹۸۶م.
۳۱. شیخ شعاعی، محمدعلی، ملی‌گرایی از دیدگاه اسلام، دفتر عقل، قم، ۱۳۸۶ش.
۳۲. صادقی اردستانی، احمد، وحدت مسلمین، دفتر کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعت، قم، بی‌تا.
۳۳. صبحی صالح، نهج البلاغه، مؤسسه دارالهجره، قم، ۱۴۱۲ق.
۳۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ج ۴، ۱۳۹۴ق.
۳۵. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۱ و ۲، ۱۴۱۴ق.
۳۶. طلوعی، محمود، فرهنگ جامع سیاسی، تهران، علم، ۱۳۸۵ش.
۳۷. علوی، پرویز، زبان انگلیسی تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ج ۱، تهران، علوم نوین، ج ۱، ۱۳۷۴ش.
۳۸. عمید زنجانی، عباس علی، بنیادهای ملیت در جامعه ایده‌آل اسلامی، کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۵۲ش.
۳۹. عنایت، حمید، دین و جامعه، انتشارات موج، تهران، ۱۳۵۲ش.

۴۰. فارابی، محمد، آراء اهل المدینه الفاضله، به کوشش البیر نصری نادر، بیروت، ۱۹۷۳م.
۴۱. فیض کاشانی، محسن (محمد بن مرتضی)، وافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۹، بی تا.
۴۲. قهری، داریوش، تحول ناسیونالیسم در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳ش.
۴۳. کاتم، ریچارد، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه: احمد تدین، کویر، تهران، ۱۳۷۱ش.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱، ۱۳۶۷ش.
۴۵. گبیرنا، مونترات، مکاتب ناسیونالیسم، ترجمه: امیر مسعود اجتهادی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۸ش.
۴۶. گیلبرت، آلودیس، جایگاه فاشیسم در تاریخ اروپا، ترجمه: حشمت الله رضوی، سازمان انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۱ش.
۴۷. ماتیل، الکساندر، دایره المعارف ناسیونالیسم، مترجم: کامران فانی، محبوبه مهاجر، وزارت خارجه، تهران، ۱۳۸۴ش.
۴۸. متقی هندی، شیخ علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله بی تا، ج ۹ و ۱.
۴۹. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ج ۷۴، ۱۴۰۴ق.
۵۰. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۵۹ش.
۵۱. _____، خدمات متقابل اسلام و ایران، صدرا، قم، ج ۱، ۱۳۵۹ق.
۵۲. _____، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، صدرا، تهران، ج ۲۴، ۱۳۸۵ش.
۵۳. معادیخواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب، نشر ذره، تهران، ج ۱، ۱۳۷۳ش.
۵۴. معظم پور، اسماعیل، نقد و بررسی ناسیونالیسم؛ تجدها در عصر رضاشاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۵۵. معین، محمد، فرهنگ معین، امیر کبیر، تهران، ج ۴، ۱۳۷۱ش.
۵۶. موثقی، سید احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ج ۱، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
۵۷. نقوی، علی محمد، اسلام و ملی گرایی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی جا، ۱۳۶۴ش.
۵۸. نوروزی، محمد جواد، فلسفه سیاست، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۰ش.
۵۹. همایون، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه: محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۴ش.
۶۰. Gellner, E. Nationalism,) London: Weidenfeld & Nicolson, ۱۹۹۷. p. ۱ .
۶۱. www.ariaye.com/dari/qanoonasasi/eskandari۲.html
۶۲. Augustin Barraail.
۶۳. Andrew Heywood, political ideologies second Edition Macmilan Press LTD, ۱۹۹۸, p. ۱۵۲

- .Hans Kohn, The idea of Nationalism, Ninth Printing, The McMillan Company, New York, 1967, p.76 .64
 .A National way of looking at life .65
- .Finer, S. The Man on the horseback,(New York: Praeger 1962) P.211 .66
- Duchacek/Thompson, Conflict and Cooperation Among Nations, (New York: Holt, Rinehart and .67
 .Winston, 1960) PP. 66-84
- .Hayes, C. The Historical Evolution of Modern Nationalism,(New York: Macmillan, 5th edn, 1955), p. 165 .68
- Holsti H, International Politics, (New Jersey: Prentice-hall, 1972) pp. 65-69; Finer, S. The Man on the .69
 .horseback,(New York: Praeger 1962) p. 211
- .Morgenthau, H. Politics Among Nations, 4th ed. New York: Alfred, A. Knopf, 1967, p 100
- .Snyder, L. The word in Twentieth Century, (New Jersey: van Nostrand, 1964) P. 23-24 .70
- .Puchala, D. International Politics Today, (New York: Dood, mead & Company, 1971), pp. 197,211-217
- .Olson, W. The theory and Practice of International relations,(New Jersey, Prentice-Hall) PP. 71-78 .71
- Duchacek/Thompson, Conflict and Cooperation Among Nations, (New York: Holt, Rinehart and .72
 .Winston, 1960) p.28
- Duchacek/Thompson, Conflict and Cooperation Among Nations, (New York: Holt, Rinehart and Winston,
 .1960) pp. 25-28
- .Hayes, C. The Historical Evolution of Modern Nationalism,(New York: Macmillan, 5th edn, 1955), p. 165 .73
- Holsti H, International Politics, (New Jersey: Prentice-hall, 1972) pp. 65-69; Finer, S. The Man on the .74
 .horseback,(New York: Praeger 1962) P. 211
- .Lerche, Che. America in World Affairs, (New York: McGraw-Hill, 1967) P. 15 .75
- .Olson, W. The theory and Practice of International relations,(New Jersey, Prentice-Hall) PP. 71-78 .76
- .Snyder, L. The word in Twentieth Century, (New Jersey: van Nostrand, 1964) .77
- University Oxford,ones of Room A, Press,Woolf :Rabindaranat Tagore, Reminiscecec, New Delhi,p.122 .78
 .Virginia, 313:1992